

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری - 27 / اسفند / 1383

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً خوش آمد عرض می‌کنیم به آقایان محترم و خدای متعال را شکر می‌کنیم که توفیق داد این مجلس معظم و مهم در نوبتی دیگر اجتماع خود را تشکیل دهد و اعضای آن درباره‌ی مسائل مورد اهتمام خودشان بحث کنند. از بیانات نصیحت‌آمیز و بسیار مهم جناب آقای مشکینی (دامت برکاته) و گزارشی هم که جناب آقای امینی ارائه فرمودند، تشکر می‌کنیم.

همان‌طور که حضرت آیه‌الله مشکینی اشاره کردند، این جلسه حقیقتاً يك جلسه‌ی استثنایی است ؛ هم به‌خاطر ترکیب این مجموعه که علما و بزرگان دین و بسیاری از مسؤولان بخشهای مختلف و بعضی مسؤولان بالای کشور در آن مجتمع‌اند، و هم به‌خاطر این که این مجموعه‌ی با این خصوصیات را مردم انتخاب کرده‌اند ؛ این نکته‌ی خیلی مهمی است. مردم با رأی خود، شما را در این مجموعه برای يك مقصد و مسؤولیت بسیار مهم - که هیچ مرکزی در کشور بدیل این مجموعه برای آن مسؤولیت نیست - گرد آورده‌اند ؛ و آن عبارت است از تعیین رهبری نظام و مراقبت از صحت مسیر رهبری در طول زمان. با این ایده و این انگیزه، مردم این مجموعه را که مورد اعتمادشان قرار گرفته است، انتخاب کرده‌اند ؛ لذا این مجلس، هم از جهت منتخب مردم بودن و هم از جهت حائز بودن بسیاری از خصوصیات بالا و والا، يك مجلس استثنایی است.

راجع به دو سه نکته‌ی که حضرت آقای امینی در بیاناتشان اشاره فرمودند - که من بیانیهِ پایانی اجلاس را هم که ملاحظه کردم، دیدم همین نکات در آن به نحو اشاره و کوتاه مندرج است - جمله‌ی کوتاه و گذرایی عرض کنم. راجع به مسأله‌ی پیشگیری از حوادث، اشکال بر متصدیان این کار وارد است. البته نمی‌شود گناه زلزله و برف و سیل را به گردن کسی گذاشت ؛ اما می‌شود از مسؤولان توقع داشت که تدبیر امر را به نحوی بکنند که خسارت این حوادث هرچه کمتر و خفیف‌تر شود و کار جبرانی و علاج در برابر این حوادث هم آسان گردد. فکریایی شده است، سفارش‌هایی شده است، گردهمایی‌هایی برای همین منظور برپا شده است ؛ ولی باید سرعت عمل بیشتر از این باشد. البته در زمینه‌ی بافتهای فرسوده و آسیب‌پذیر کارهایی را شروع کرده‌اند ؛ این بافتهای هم در ظرف ده سال و پانزده سال به وجود نیامده ؛ متأسفانه اینها کیفیت ساخت‌وساز بومی و سنتی ماست. خوشبختانه الان راه دسترسی نسبت به سابق خوب‌تر و آسان‌تر است ؛ هم فرودگاه هست، هم راه‌های زمینی هست - که این هم از برکات انقلاب و زحمات مسؤولان است - در عین حال ما هم این ایراد را داشتیم و داریم و تذکر داده‌ایم و باز هم تذکر خواهیم داد و تأکید خواهیم کرد.

مسأله‌ی عزاداری‌ها هم که اشاره کردند، مطلب بسیار مهمی است و تا حدود زیادی متوجه به خود ماست. شکی نیست که در مواردی در عزاداری‌ها حرفهای غیرواقعی و غلط و خرافی گفته می‌شود ؛ لیکن اگر فرض می‌کردیم هیچ حرف غلطی هم به آن معنا بیان نشود، اما وقتی حرف صحیح ولی سست و بدون استناد به يك مدرک درست گفته شود، یا حرفی که ایمان مردم را متزلزل کند و در باور مخاطبان ننگد، گفته شود، این هم مضر است. امروز ما این همه در کشور مسأله داریم. يك منبر تبلیغاتی بسیار مهم عبارت است از همین جلسات حسینی و حسینی‌ها و سینه‌زنی‌ها و دستجات مذهبی. از این منبر، والاترین معارف و فوری‌ترین و لازم‌ترین مطالب را می‌شود بیان کرد ؛ اما اگر ما این را به چیزهای موهوم یا موهون مصروف کنیم، به‌هیچ‌وجه مصلحت نیست.

حرف، حرف درستی است ؛ حرف امروز هم نیست ؛ حرف همیشگی ماست ؛ منتها يك نکته در این جا وجود دارد که باید به آن توجه شود. شنیده‌ایم و در مواردی دیده‌ایم که کسانی به این عیب، بلکه به این خطر توجه کرده و آن را بیان کرده‌اند. طبعاً ذهنهای بعضی کشش ندارد این معنا را درک کند ؛ در مقام عمل هم به این کار عادت کرده‌اند ؛ این خیلی مهم نیست ؛ این قابل اثرگذاری است ؛ اما ناگهان از نقطه‌ی دل روحانیت و از مراکز معتبر روحانیت ندای تأییدی از آن کار غلط بلند شده ؛ این را علاج کنید ؛ والا بیان کردن، توجیه کردن و تشر زدن دشوار نیست.

این طور نباشد که وقتی مطلب حقی در مرکزی گفته می شود و مسؤول و روحانی روشنفکر و آگاهی آن را بیان می کند، ناگهان با این توهم یا با این وسوسه که اصل عزاداری امام حسین زیر سؤال برده شد، جریانی درست شود؛ کما این که ما دیدیم در قضیه ی قمه زنی همین طور شد. به نظر ما قمه زنی يك خلاف شرع قطعی بود و هست؛ این را ما اعلام کردیم و بزرگانی هم حمایت کردند؛ اما بعد دیدیم از گوشه و کنار کسانی در جهت عکس این عمل می کنند! اگر قمه زنی اشکال هم نداشته باشد و حرام هم نباشد، واجب که نیست؛ چرا در جاهایی برای این چیزهای بعضاً خرافی انگیزه وجود دارد؟ آنهایی هم که جنبه ی خرافی محض ندارد، لاقلاً این مقدار هست که در دنیای امروز، در ارتباطات امروز، در فرهنگ رایج جهانی امروز، در عقلانیاتی که امروز در داخل خانه های ما و بین جوانان و دختران و پسران ما رایج است، عکس العمل نامناسب ایجاد خواهد کرد. اینها از بیّنات شرع نیست که ما بگوییم چه دنیا بپسندد، چه نپسندد، ما باید اینها را بگوییم؛ حداقل اینها چیزهای مشکوک^۱ فیه است. برای این موضوع فکری بکنید و کاری انجام دهید. این هم با اشاره یی که شما در بیانیه اجلاس کردید، به دست نمی آید. من در جلسه ی اجلاس قبل هم عرض کردم که شما درباره ی این گونه موضوع ها قطعنامه صادر کنید. مجلس خبرگان يك مجلس معتبر و با عظمت است؛ این همه شخصیت در این مجلس جمع شده اند؛ درباره ی موضوعی که به نظرتان مهم می آید، قطعنامه صادر کنید تا پخش شود؛ لاقلاً مردم ایران بدانند که نظر شما نسبت به فلان مسأله این است؛ گیرم بعضی عمل بکنند یا نکنند. این نکته را ما در جلسه ی قبل گفتیم، آقایان هم استقبال کردند؛ اما در این اجلاس هم به آن عمل نشد!

البته مسأله ی چهارشنبه سوری يك مسأله ی دیگر است و برخورد دیگری را می طلبد؛ لیکن درباره ی این دو مسأله ی روشن و واضح - یکی بلایای طبیعی و لزوم رسیدگی و امداد و پیشگیری مسؤولان؛ به طوری که تلفات انسانی و خسارتهای مالی آن کم شود، و دیگری مسأله ی عزاداری ها - می توانید قطعنامه صادر کنید و این را از رهبری بخواهید - اشکالی ندارد - از مسؤولان بخواهید. مسأله ی عزاداری ها از موضوعات کاملاً متناسب با شماست؛ زیر این مسأله را امضاء کنید و نشان دهید که نسبت به این قضیه نظر و اهتمام دارید و می خواهید این کار صورت بگیرد.

چند جمله یی هم راجع به مسائل جاری عرض کنم. البته همان طور که به من اطلاع داده شد، آقایان هم در نطق های پیش از دستور خود بحمدالله به مسائل جاری توجه کرده اند. امروز مسأله ی اساسی کشور، چالش انقلاب اسلامی و نظام اسلامی است با دشمنانی که از نحوه ی برخورد آنها می شود فهمید که سراسیمه اند. این را عرض بکنیم که برخورد تبلیغاتی و سیاسی امروز امریکا و غرب با جمهوری اسلامی ایران - که لحن آن تند و همراه با پرخاشگری است - نشانه ی قدرت دشمن نیست؛ نشانه ی ناتوانی دشمن از برخورد با شجره ی طیبه یی است که ریشه دوانده و تنه برافراشته و شاخ و برگ پیدا کرده است. علت اساسی هم این است که در دنیای مادی و در نظام بین المللی مبتنی بر بی خدایی و ماده گرایی، اگر يك واحد خدایی و متکی بر مبانی توحیدی حضور پیدا کرد، اینها با هم ناهمخوانی خواهند داشت؛ این چیز قهری و طبیعی است؛ مثل این است که با مهندسی و سلیقه ی خاصی منطقه یی را خطکشی کنند، ولی کسی که مثلاً سوار تراکتوری است و این خطکشی را قبول ندارد و دارد در جایی دیگر به آن شکلی که صحیح می داند، حرکت می کند، خطکشی های اینها را به هم بزند و محاسبات اینها را به هم بریزد.

دعوا بر سر اسلام است؛ بر سر اشخاص و نوع نظام حکومتی و مردم سالاری نیست؛ والا امروز غرب می داند که در این منطقه یکی از مردمی ترین نظام ها، نظام جمهوری اسلامی است؛ این قابل انکار نیست. نظام جمهوری اسلامی که از صدر تا ذیل، همه ی کارهایش متکی و مستند به آراء مردم است، شخصیت های اثرگذار درجه ی اولش منتخبان مردمند و حضور و حمایت و عواطف مردم پشتوانه ی اساسی آن است، از لحاظ برخی از ابعاد مردمی بودن، در دنیا - نه فقط در منطقه - بی نظیر است. حتی اغلب دموکراسی های رایج دنیا هم این طور حمایت مردمی و انبوه دلها را پشت سر خودشان ندارند، ولی ما بحمدالله داریم؛ این را دشمن هم دارد می بیند. بنابراین مسأله این است که وقتی تفکر اسلامی و پایه ی اسلامی به مرحله ی عمل رسید و بنا شد نظام حکومتی تشکیل دهد، این با خطکشی ها و

محاسبات رایج نظم مادی جهان ناسازگاری خواهد داشت؛ این چیز قهری و طبیعی است. هر قدر هم ما ظواهر سیاسی را درست کنیم و تنش‌زدایی و امثال آن را مطرح کنیم، مشکل اساسی آنها را از بین نمی‌برد. این را هم می‌دانند که این نظم نوین اسلامی منحصر به یک کشور نخواهد ماند؛ چون جامعه‌ی اسلامی یک جامعه‌ی بزرگ است. الان تقریباً یک و نیم میلیارد نفر جمعیت مسلمانان است و ده‌ها کشور اسلامی وجود دارد؛ همه‌ی اینها در اصول و مبانی با جمهوری اسلامی مشترکند. اهواء و عواطف ملتها طرفدار جمهوری اسلامی است - اینها را می‌دانند - و می‌دانند که اگر این نظام توانست خود را از زیر بار مشکلات خلاص کند و سر بکشد و صدای خودش را به دنیا برساند، آن وقت این الگو در نقاط دیگری از جهان هم - که برای آنها بسیار مهم است - تأثیراتی برخلاف میل آنها خواهد گذاشت.

در واقع عصبانیت آنها از اسلام و نظم اسلامی و حرکت اسلامی است. شما ملاحظه کنید؛ در ده، پانزده سال اخیر ما شاهدیم که برنامه‌هایی در کشور به وسیله‌ی دولتها انجام گرفت؛ برنامه‌های خوبی هم بود. عناوین مورد مطالبه و اهتمام دولتها چیزهایی است که در عرف جهانی هم برای پیشرفت یک کشور مطرح است؛ مثل دانش، فناوری، توسعه، برنامه‌های پنج‌ساله، سرمایه‌گذاری خارجی، تنش‌زدایی؛ حرفهایی که ما در این سالها بر زبان آورده‌ایم و همه هم گفته‌اند؛ یعنی مخصوص بخشی از مجموعه‌ی نظام نیست؛ از رهبری تا دولتها و مسؤولان، اینها را مکرر بیان کرده‌اند؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که نظام جمهوری اسلامی در قالب این سرفصل‌ها به سمت توسعه پیش می‌رود. این پیشرفت‌ها طبعاً برای طراحان و سیاست‌گذاران و راهبردها سیاست‌های بین‌المللی و جهانی و استعماری تا حدودی امیدوار است. آنها فکر می‌کنند که نظام جمهوری اسلامی هم بالاخره در همان خط توسعه‌ی متعارف و معمول مطرح و طراحی شده‌ی از سوی خود آنها وارد شده. مثلاً وقتی مسأله‌ی تجارت جهانی و ورود به بازارهای جهانی مطرح می‌شود، این امید در آنها به وجود می‌آید که شاید بناسط نظام اسلامی هم بتدریج در نظام بین‌المللی مادی حل شود؛ که اگر چنین اتفاقی بیفتد، همه‌ی محاسباتش در اختیار آنهاست. فرض بفرمایید اگر کشوری وارد سازمان تجارت جهانی شد، دست غالب و قوی در سازمان تجارت جهانی مال آنهاست؛ سیاست‌گذاری مال آنهاست، انتفاع بیشتر متعلق به آنهاست؛ حالا گیرم سودی هم گیر فلان کشور یا دولت بیاید؛ اما آنها هستند که محاسبه می‌کنند. در زمینه‌ی سیاست‌های گوناگون جهانی هم همین‌طور است؛ گویا بتدریج این امید در آنها به وجود آمده بود.

البته بعضی از اظهارات داخلی هم این امید را در آنها تقویت می‌کرد؛ چه در زمینه‌های فرهنگی، چه در زمینه‌های سیاسی، چه در زمینه‌های اقتصادی. این که نظام اسلامی به عنوان یک معترض، و به قول خود حضرات، به عنوان اپوزیسیون نظام جهانی، در نقطه‌یی از دنیا - که خیلی هم حساس است - ظاهر شده بود، در واقع این را کم‌رنگ می‌کرد. ناگهان سند چشم‌انداز بیست‌ساله به عنوان سیاست‌های نظام و مطالبات و سیاست‌های رهبری مطرح می‌شود؛ آن وقت در پیشانی این چشم‌انداز، این‌طوری می‌آید که «ایران کشوری است توسعه یافته»، تا می‌رسد به این‌جا: «با هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام». معلوم می‌شود خواب آشفته‌یی که در دل آنها امید به وجود آورده بود، خواب بی‌تعبیری است. یعنی همه‌ی برنامه‌های پنج‌ساله‌یی که از سال 1384 شروع خواهد شد و بر اساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله خواهد بود، باید در این خط و در این جهت باشد؛ همه باید اسلام انقلابی و ایران اسلامی را به معنای واقعی کلمه دنبال کنند و در جهان اسلام الهام‌بخش باشند.

ما مایل نیستیم در دنیای اسلام منزوی باشیم، و منزوی هم نیستیم و نخواهیم شد. انزوا به معنای دیپلماتیک و رایج آن در دنیا، آن‌چنان مضر نیست که انزوای از ملتها مضر است. امروز امریکا به حسب ظاهر منزوی نیست؛ حضور سیاسی و حتی حضور نظامی او در همه جای این منطقه محسوس است؛ اما در حقیقت منزوی است؛ چرا؟ چون ملتها که تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده‌اند، همه از حضور امریکا و سیاست‌های امریکا متنفر و بیزارند؛ این انزوا مضر است. جمهوری اسلامی در دنیای اسلام این انزوا را ندارد.

شما الان هر جای دنیای اسلام بروید، خواهید دید که مردم دل‌هایشان برای جمهوری اسلامی می‌تپد؛ این واقعیت است. سفر اخیر رئیس‌جمهور محترم ما به بوسنی، یک نمونه است. مگر ما با بوسنی چقدر ارتباط مردمی داریم؟

مگر مردم بوسنی چقدر به این جا آمده‌اند؟ بعد از قرارداد دیتون و خاتمه‌ی جنگ‌های بالکان، آن همه علیه ایران در آن جا تبلیغات و فعالیت شده بود؛ عوامل جمهوری اسلامی را از آن جا بیرون کردند، به آنها توهین کردند، در تبلیغاتشان آنها را متهم کردند و همه چیز راجع به آنها گفتند؛ درعین حال مردم بوسنی از رئیس جمهور ما آن گونه استقبال کردند. ایشان می گفتند در برف سنگین ساریوو - که شاید تا نزدیک زانوی انسان برف باریده بود - مردم در خیابانهای شهر اجتماع متراکمی کرده بودند تا رئیس جمهوری اسلامی ایران را ببینند. ایشان می گفتند به کتابخانه‌ی قاضی خسروبیگ رفتیم - که بنده هم زمان ریاست جمهوری به آن جا رفته بودم - تقریباً 45 دقیقه بازدید ما طول کشید؛ اما وقتی برگشتیم، دیدیم مردم هنوز آن جا ایستاده‌اند. در مسجد آن جا مردم اجتماع متراکمی کرده بودند و برای خوش آمدگویی به رئیس جمهوری اسلامی ایران، به زبان فارسی سرود می خواندند! این استقبال مربوط به اشخاص نیست.

من از سفر الجزایر برگشته بودم و منظره‌ی را که در آن کشور دیده بودم، برای امام تشریح کردم و گفتم این استقبال مربوط به شخص من نبود؛ تکریم شما بود. الان هم نه شخص من، نه شخص آقای خاتمی، نه هیچکدام از مسؤولان کشور که به دیگر کشورها می روند و این گونه مورد استقبال قرار می گیرند، مورد نظر نیستند؛ مردم اشخاص ماها را نمی شناسند؛ شاید اسم ما را بدانند، اما انقلاب و امام را می شناسند؛ همان شخصیتی که مثل خورشید در آسمان دنیای اسلام می درخشید و همه - چه دشمنها می خواستند، چه نمی خواستند - آن را لمس می کردند. الان هم نمودار و برگه‌ی از آن شخصیت ممتاز را مشاهده می کنند. شما هر جا بروید، وضعیت همین گونه است. یکی از مسؤولان ما - یادم نیست آقای رئیس جمهور بود یا کس دیگری - به یکی از کشورهای عربی رفته بود و از او استقبال خوبی کرده بودند. من گفتم شما به هر کدام از کشورهای عربی بروید، قضیه همین است؛ اگر به مصر بروید، اجتماع مردم از همه جا بیشتر خواهد بود؛ به سودان بروید، همین طور است، به دیگر کشورها بروید، همین طور است؛ البته مشروط بر این که دولتها مانع نشوند.

امروز در سرتاسر دنیای اسلام، جمهوری اسلامی مطرح است؛ علت هم این است که بر سر حرف و شعار اصلی خود - که اسلام است - ایستاده است. امریکایی‌ها وقتی سند چشم انداز منتشر می شود و می بینند چشم انداز بیست ساله عبارت است از پدید آمدن یک کشور پیشرفته‌ی طراز اول در منطقه از لحاظ فناوری و دانش، با جهتگیری و باطن و روح اسلامی و انقلابی و اثرگذار و الهام بخش در دنیای اسلام، درصدد مقابله برمی آیند. البته اینها نمی توانند با اسلام مقابله کنند.

دیدم که آقایان خبرگان در نطق‌های پیش از دستور، راجع به خاورمیانه‌ی بزرگ هم صحبت‌های درست و خوبی کرده بودند. مسأله‌ی خاورمیانه‌ی بزرگی یک آرزوی امریکایی است. خاورمیانه‌ی بزرگی که آنها می گویند، یعنی کشوری بزرگ در خاورمیانه به مرکزیت اسرائیل. البته منظور آنها این نیست که یک دولت واحد تشکیل شود؛ نه، همین دولتهایی که در مرزهای جغرافیایی کنونی قرار دارند، باشند؛ منتها دولتهایی که توی مشت امریکایی‌ها باشند؛ مردم بظاهر آنها را انتخاب کرده باشند، اما امریکایی‌ها خواسته باشند؛ همان طور که در ماه‌های اخیر در اوکراین و گرجستان اتفاق افتاد.

آنها می خواهند اسرائیل در این منطقه‌ی پُریه‌ر و پُر از سرمایه‌های طبیعی، بشود یک مرکز برجسته؛ نماینده و پایگاه تمدن مادی غرب دست و پایش را در این کشورها باز کند؛ از کارگر ارزان آنها استفاده کند، از پولهای آنها استفاده کند، اقتصاد خودش را گسترش دهد، کشاورزی خودش را توسعه دهد و در واقع خودش را تغذیه کند؛ مثل درختی که ریشه‌اش وارد خانه‌ی همسایه می شود و از آن جا تغذیه می کند، که در واقع میوه‌ی درخت مال صاحب آن خانه است.

طرح از نیل تا فراتی که یک وقت اعلام کردند می خواهند با سرپنجه‌ی قدرت نظامی آن را به دست بیاورند، در واقع الان می خواهند با سرپنجه‌ی قدرت سیاسی و اقتصادی آن را به دست بیاورند. البته قطعاً به این هدف نخواهند رسید؛ نه امریکایی‌ها و نه صهیونیست‌ها و غاصبان فلسطین.

ملت‌ها بیدارند. ما باید بیدار باشیم. جمهوری اسلامی باید بیدار باشد. بیداری ما یک شعار نیست؛ باید حواسمان جمع

باشد. در تعیین دولتها، در انتخاب رئیس جمهور - که تا زمان برگزاری انتخابات، چند صباح دیگر بیشتر باقی نمانده - و در گزینش کسانی که در صحنه‌ی سیاسی کشور بناست فعالیت کنند، باید حواسمان جمع باشد. هر يك از اشخاص و شخصیت‌ها و مسؤولانی که در رأس يك مجموعه‌ی کاری قرار دارند، تعیین‌کننده‌اند؛ هم ایمان آنها، هم عزم و اراده‌ی آنها، و هم کردانی و کفایت آنها تعیین‌کننده است. فرض بفرمایید اگر راجع به فلان مسأله‌ی فرهنگی ایراد دارید، یا اگر به فلان مسأله‌ی فنی کشور ایراد دارید، همه‌ی اینها برمی‌گردد به مدیریت‌های گوناگون؛ نه فقط مدیریت در رأس و بالا؛ نه، گاهی مدیریت بالا خوب است، منتها مدیریت‌های متوسط و میانی - که اشراف و نظارت مسؤولان عالی‌رتبه بر کار آنها لازم است - گاهی نمی‌گذارند کار به نتیجه‌ی مطلوب برسد. بنابراین، این گزینش‌ها تعیین‌کننده است. در این زمینه‌ها باید با احساس مسؤولیت و ملاحظه‌ی جوانب و با چشم باز و بصیرت کامل وارد شد. در رأس کار باید کسانی قرار بگیرند که ایمانشان به اسلام و انقلاب و ارزشهای اسلامی و انقلابی در حد کافی باشد؛ در ارزشهای اسلام تردید نداشته باشند و توان و نشاط و قدرت تحرک و پیگیری‌شان متناسب با این همه کاری باشد که جمهوری اسلامی دارد، تا ان شاءالله کشور جلو برود.

این کارها، کارهای چند نسلی است. مقاصد و نتایجی که مورد نظر ماست، انتظار نداریم حتماً در زمان کوتاهی تحقق پیدا کند؛ لیکن توقع داریم که تحرکی به وجود بیاید و احساس پیشرفت بشود. انسان يك راه را در ظرف يك ساعت طی می‌کند، يك راه را در ظرف بیست و چهار ساعت طی می‌کند؛ اما آن راهی هم که در بیست و چهار ساعت طی شود، انسان باید ساعت اول احساس کند که به قدر يك ساعت پیش رفته است. ما در همه‌ی زمینه‌ها احساس حرکت و پیشرفت را توقع داریم؛ هم در زمینه‌های اقتصادی، هم در زمینه‌های فرهنگی، هم در زمینه‌های ارزشی، هم در زمینه‌های علمی، هم در زمینه‌ی پیشرفت علم و عمق علمی و دریدن حجاب علمی‌یی که مانع می‌شود از این که کشورهایی از قبیل کشور ما به نقاط اصلی علمی و شکستن مرزهای دانش و پیش رفتن، دسترسی پیدا کنند؛ که خوشبختانه در زمینه‌ی اخیر، کشور ما از جهت خوب بودن، جزو کشورهای استثنایی است. استعدادها، خوب؛ توانایی‌ها، خوب؛ قدرت ابتکار علمی و فنی، خوب؛ ما می‌توانیم در این زمینه‌ها پیشرفت کنیم، که پیشرفت هم کرده‌ایم و يك نمونه‌اش مسأله‌ی انرژی هسته‌یی است.

باید از خدای متعال بخواهیم به ما توفیق دهد. قدر این مجلس محترم و قدر این تجمع بسیار باارزش را بدانید و - همان‌طور که حضرت آقای مشکینی اشاره فرمودند - فراخور تکلیف و توقعی که از این مجلس هست، تصمیم‌های با جرأت بگیرید. شما يك مجموعه هستید؛ در هر زمینه، آن چیزی که به نظرتان می‌آید، با جرأت تصمیم بگیرید و اعلام کنید. من عرض کردم، باز هم تأکید می‌کنم؛ اعلام کنید نظر ما این است. صدور این گونه بیانیه‌ها، بسیار خوب و لازم است. بیانیه‌های قبلی شما غالباً خوب بوده است؛ امسال هم بیانیه‌ی متین و خوش‌مضمون و خوش‌عبارتی صادر شده بود؛ منتها صدور بیانیه‌ی پایانی اجلاس غیر از این است که مطالبه‌ی مشخصی روی موضوع خاصی از طرف شما صورت بگیرد تا مردم بدانند مجلس خبرگان این را می‌خواهد. از هر کسی که فکر می‌کنید لازم است بخواهید - از رئیس جمهور، از رهبری، از مجلس، از قوه‌ی قضاییه - دچار رودربایستی و ملاحظات نشوید؛ آنچه را که عقیده‌ی شماست، قاطع و روشن مطرح کنید و بخواهید.

دبیرخانه هم می‌تواند برای اجلاس آینده در طول زمان مواردی را با نظرخواهی از خود آقایان آماده کند تا در آن اجلاس مورد اهتمام قرار بگیرد. کار دبیرخانه‌یی منظم و خوب می‌تواند خیلی تأثیر داشته باشد.

این مجلس، متکی به آراء مردم است؛ مجلس کوچکی نیست. البته خدای متعال باید همه‌ی ما را دستگیری و هدایت و کمک و شاکر نعمتهای خودش کند و این شکر را زمینه‌ی رحمت و مزید نعمت خودش قرار دهد. همه‌ی ما به ادعیه‌ی زاکیه حضرت بقیه‌الله (ارواح‌نفاذ) محتاجیم. امیدواریم ان شاءالله مشمول دعا و نظر عطوفت‌آمیز آن بزرگوار باشیم و ان شاءالله روزبه‌روز کار ما و پیشرفت ما بهتر شود.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته